



درس‌هایی پرورشی از قرآن کریم

مؤلف: محمد قلب
مترجم: راد ویسی

نشر



قطب، محمد Qutb, Muhammad

دروس تربویة من القرآن الکریم. فارسی

دوره‌هایی پرورشی از قرآن کریم

مؤلف: محمد قطب؛ مترجم زاهد ویسی.

تفاهت نشر آسان، ۱۳۹۵.

مشخصات اثر: ۲۰۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۲۴۹-۷۰

وضعیت فهرست نویسی: فهرست شده

موضوع: قرآن -- بررسی و شناسایی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها

قطب، محمد -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها

شناسه افزوده: ویسی، زاهد -- مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۳/۶۵ ۵۷۴۰۱/ق/۵۷۷

رده بندی دیویی: ۱۵/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۱۰۸۳۶



درسهایی پرورشی از قرآن کریم

مؤلف: محمد قطب

ترجم: خالد ویسی

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: بهارت

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۸

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۳۴۹-۰۷۰-۳

www.ketab.ir

فهرست

| | |
|----------|-------------|
| ۹..... | مقدمه مترجم |
| ۱۵..... | مقدمه مؤلف |
| ۱۹..... | درس یکم |
| ۴۹..... | درس دوم |
| ۷۹..... | درس سوم |
| ۱۰۵..... | درس چهارم |
| ۱۴۵..... | درس پنجم |
| ۱۷۵..... | درس ششم |

www.ketab.ir

مقدمه‌ی مترجم

رای‌آوری امور مختلف «افراد» و «جوامع»، قانون و مقررات گوناگون و متعددی وضع می‌شود تا از هر گونه هرج و مرج جلوگیری شود و در ضمن، زمینه‌ی دستیابی به اهداف و آرمان‌های مدنظر فراهم گردد. اکثر افراد با این روند آشنایی دارند و «معمولاً» و «غالباً» نه تنها از آن خرسند و خوش‌و‌دند بلکه آن را می‌ستایند و این امر را مطمئن‌ترین راهی می‌دانند که هم می‌توان از طریق آن، اهداف و مقاصد مدنظر خویش نایل شوند و هم از هرگونه مانع و آفتی در این راه مصون و ایمن بمانند!

با این حال، باید دانست در مطمئن‌ترین و قیق‌ترین قوانین نیز معمولاً از چند آفت و آسیب ذاتی و درونی رنج می‌برند و در بطن و متن خود این نارسایی و کاستی‌ها را همواره بر دوش می‌کشند. از جمله:

اینکه در اکثر موارد، قوانین، حداقل یک قدم بعد از وقوع جرم، بزه و سایر انواع ناهنجاری و نظم‌ستیزی و ... است. از این‌رو، جرم و بزه پیش از مطمئن‌ترین قوانین نیز حرکت می‌کنند.

آفت دوم اینکه، معمولاً از صفت «کمال» و «فراگیری» کم‌بهره و بی‌بهره‌اند. به‌گونه‌ای که بارها ملاحظه می‌شود که پس از وقوع یک جرم، فرد مجرم و بزه‌کار مجازات قانونی نمی‌شود و از پیگرد قانون معاف می‌گردد! زیرا اصطلاحاً به دلیل «خلأ قانونی» و عدم تصریح قانون به آن جرم مشخص و ... تبرئه می‌شود! به همین خاطر است که بارها در این‌گونه موارد، قانون‌گذاران گرد هم می‌آیند و به «تکمیل قانون» می‌پردازند!

آفات و کاستی‌های موجود در قوانین تنها به این دو نکته خلاصه نمی‌شود. بلکه این نواقص و معایب چندان فراوان و متعدد است که گاهی در برخی از ممالک و جوامع، گروه‌هایی صریحاً تحت عنوان «مخالفان قانون اساسی» به فعالیت می‌پردازند و این امر علاوه بر آنکه نشان‌دهنده‌ی آن است که آن قانون با ذائقه و سلیقه یا اهداف و مقاصد جمعی از مردم آن دیار سازگار نیست، بلکه نشان می‌دهد که در بعضی آن، چنان ضعیف‌ها و معایبی وجود دارد که تأسیس و فعالیت چنین گروه‌هایی را موجب و منطقی جلوه می‌دهد.

از سوی دیگر، از ذکر این نکته آن است تا نشان داده شود که آخرین دستاورد و توانمندی بشر برای کنترل و مهار مردم موجود در یک جامعه و دیار، یعنی قانون، ذاتاً واجد نارسایی و عاری است که خودبه‌خود تکیه‌ی بی‌چون و چرا بر آن را ناموجه می‌سازد. حتی در سوشالیسم، به‌تازگی به‌تازگی حالات نیز که گمان برود قانون از همه‌ی این معایب و کاستی‌ها بری است، نقض به‌مثابه‌ی ژرف‌تر قانون آن است که بر ظاهر افراد تابع خود حکم می‌راند و نه تنها از نهان آنان راز را است، بلکه نهاد و درون آنها را نیز در زمینه‌ی پایبندی به قانون در نظر نمی‌گیرد. این است که افراد در برابر عمل به قانون، تا زمانی آرام و قرار دارند که قانون منافع مورد نظر آنها را تأمین کند. و آزادی مورد نظر آنها را بیش از پیش، محدود و منجمد نسازد و به قول معروف، تأسیس که «عدالت اجرا شود»، قانون خوب است. در غیر این صورت، فرد از قانون ناخرسندی می‌تواند. البته این ناخرسندی وی تأثیری در متن و روند قانون ندارد، از این‌رو، میان فرد و قانون شفاف و رخنه‌ای پدید می‌آید که در صورت تداوم، ژرف و گسترده می‌شود و حتی ممکن است اجازت حاد گردد که فرد به صورت ضدقانون، قانون‌گریز و ... درآید.

برخلاف قانون، پرورش، بیش از آنکه کنترل ظاهر و رفتار بیرونی فرد را مبنا و اساس کار خود قرار دهد، باطن، بینش، نگرش، و دیدگاه وی را مدنظر دارد و بنا را بر

این می‌گذارد که فردی را پدید بیاورد که در کنار دارا بودن همه‌ی صفات و ویژگی‌های مدنظر قانون، از خصایب و امتیازات خاص و شاخص دیگری نیز برخوردار باشد که یا اساساً از عمل به قانون ناشی نمی‌گردند یا اگر بتوان در عمل به قانون نیز نمونه‌هایی مشابه آن‌ها را یافت، هرگز در حد و اندازه‌ی ژرف آن‌ها نباشد.

مهم‌ترین خصلتی که پرورش در فرد ایجاد می‌کند، تبدیل کردن وی از یک «شه‌روند قانون‌پذیر» و نمونه، به یک «انسان صالح» است که علاوه بر دارا بودن همه‌ی صفات نیکی که از یک فرد قانون‌مدار انتظار می‌رود، از لحاظ بینش و نگرش بسی فراتر از فرد قانون‌مدار عمل می‌کند. به گونه‌ای که اگر فرد قانون‌مدار تنها در صورت و بی‌فایده و ابزارهای اعمال آن، خود را ملزم به اجرای آن می‌داند، فرد پرورش‌یافته در هر حال، هر زمان و هر مکان، خود را ملزم به رعایت اصول و مبانی پرورشی می‌بیند؛ زیرا در پرورش امری فراتر از ایجاد نظم و آرامش صوری و ظاهری مدنظر است؛ و آن، آرامش را تنها از طریق رضایت خاطر، و تحقق صلاح در خود و سپس در دیگران است! از این‌رو، تربیت در بستر پرورش قرار می‌گیرد، هرگز به سطح و افق قانون محدود نمی‌گردد. در پرورش فرد، نه برای فردیت، بلکه با نگاهی معطوف به جمع، جامعه، امت، بشریت، و در نهایت، پیام الهی تربیت می‌شود. به گونه‌ای که بنا به نظر علمای عامل در این راستا، چنان می‌شود که «عادت»‌های فرد نیز به «عبادت» تبدیل گردد. برعکس زمانی که در سایر وادع‌ها حتی مقدس‌ترین کارها و عبادات نیز به عادت و رسم و رسوم ظاهری و صوری تبدیل می‌گردد. از این‌رو، برخلاف تصور اولیه، منظور از پرورش، تربیت دسته‌ای از انبوشه‌گیر، منزوی و عزلت‌نشین نیست که کار اساسی آنان گریز و پرهیز از دنیا و فرار از مسئولیت‌های فردی، جمعی و ایفای نقش انسانی خود باشد! برعکس منظور از پرورش، تربیت فرد یا افرادی است که هر یک به نوبه‌ی خود نمونه‌ی مجسم و عملی برنامه‌های دین خدا باشد و از آنجا که دین خدا، آخرین پیام و برنامه‌ی اهلی به بشر

است که سعادت دنیا و آخرت وی را تأمین و تضمین می‌نماید، انسان پرورش‌شده، عملاً و علناً نشان می‌دهد که: برنامه‌ی دین قابل اجرا است و محصول عملی و عینی دین چگونه است؟ در این صورت او «گواهی» عملی است بر «آگاهی» علمی افراد از نظام و برنامه‌ی دین.

خاطر نشان می‌شود که پرورش، هرگز به معنای گریز و فرار نیست. برعکس، به معنا: ستیز و اقدام و برداشتن گام‌های استوار و عملی در راهی است که در زمان و مکان مناسب، ضروری و مناسب است و اگر دیده می‌شود که جمع دینداران به صورت مقطعی از حضور و اقدام دوری می‌کنند، نه به خاطر آن است که این امر را جزء ذات دعوت و برنامه‌ی خویش می‌دانند. برعکس، به خاطر آن است که اولاً، نحوه‌ی اقدام و نحوه‌ی به از آنان انتظار می‌رود، با برنامه‌ها و اصول نگرش آنان سازگار نیست و ثانیاً زمان و مکان مناسب، برای حضور و اقدام متناسب با بینش آنها، مناسب نیست! بارزترین نمونه از این امر، تنوع و تعدد اقدام و عمل عزیزترین عزیزان ما، یعنی رسول خدا ﷺ و یاران ارجمند و ائمه کرامت است. در مکه و مدینه است.

یکی دیگر از دلایل جلوگیری از پرورشی از اقدام سطحی و مقطعی و ناکارآمدی افراد هم‌مسیر آن است که فرد «مصلح» باید صالح باشد. یعنی پیش از هر چیز باید صلاح را در وجود خویش محقق کرده باشد. و این امر چنان در وجود وی نهادینه و ریشه‌دار باشد که او را به سان رودی توفنده و جابجایی ناپذیر در کوهستان درآورده باشد که قطرات مقطعی و گاه‌گاه خس و خاشاک ناپاک نتواند او را بیالاید. از سوی دیگر، چنان توان و تسلطی برای بیان حقایق و دقایق دینی داشته باشد که هنگام شرح و بیان آنها جایی برای شک و تردید باقی نگذارد. وگرنه موجب می‌شود آن مفهوم یا اصل برین و مبارک «عادی» شود و به این صورت آن را از کارایی و کنشگری بیندازد. البته تکرار می‌شود که منظور، بیان لفظی و تنوریک نیست، بلکه تحقق عملی و عینی آن مفهوم یا اصل است.

این است که قرآن کریم را به عبارتی می‌توان برنامه‌ی پرورش انسان به شمار آورد که به صورت و انحای مختلف، جلوه‌ها و جوانب مختلف این امر را در خود جا داده است. مرحوم استاد ارجمند، محمد قطب نیز کوشیده است در این اثر، جنبه‌هایی از این برنامه را در دسترس اهل خود قرار دهد تا شاید زمینه‌ای را فراهم بیاورد که گامی فراییش نهند و کاری بکنند. زیرا بدون تحقق پرورش، همه‌ی برنامه‌های دین، صوری، ظاهری، فاقد روح خواهد بود و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، به صورت مکتبی فلسفی، حقوقی و... در خواهد آمد که با مکاتب بشرساخته هم‌ردیف می‌گردد. آنچه دین را دین می‌سازد عمل به دین است نه حرف زدن درباره‌ی دین. پرورش، یعنی تلاش برای نهاده‌ی کبریا در نهاد خود!

امید وافر دارم که خداوند قلم و نفس گرم مؤلف ارجمند را موجب جنب‌وجوشی در درون‌های مشتاق دین‌ورزان کند و کاری کند که هر یک به نوبه‌ی خود نمونه‌ای عینی و عملی از دین خدا در روزگار خود باشند، و علاوه‌بر مؤلف، سایر دست‌اندرکاران تولید و پخش این کتاب، نظیر مترجم، ناشر، و سایر همکاران محترم نیز در حالات خوش خویش به دایمی وازان... زیرا این دعاها، در مسیر پرورش، چراغ‌هایی فروزان‌اند.

مرگ بس باشد که استیارت دهد:

زاهد ویسی ۹۳/۹/۱۰

مقدمه‌ی مؤلف

این کتاب در اصل مجموعه‌ی سخنرانی‌هایی بود که در یکی از مدارس حفظ قرآن در جده در کشور عربستان سعودی، تحت عنوان «درس‌هایی پرورشی در قرآن کریم» ارائه کردم. برخی از افرادی که به این سخنرانی‌ها گوش سپردند، تشویق کردند که در کتابی گردآوری شده تا افرادی هم که فرصت شنیدن آنها را نیافته‌اند، از آن درس‌ها مطلع شوند. من نیز آنها را در پاسخ به این رغبت ارجمند، در این کتاب گردآوری کردم.

من از این سخنرانی‌ها، اهداف شخصی داشتم. از جمله اینکه: قرآن کریم یک خطاب «تاریخی» نیست؛ خواه خطاب به امت اسلامی باشد، یا به همه‌ی بشریت. به این معنا که قرآن برای پاسخ‌گویی به شرایط تاریخی، مبنی در زندگی بشر نازل شده، و هنگام تغییر کردن شرایط، نقش آن هم تغییر می‌کند. برعکس، قرآن یک خطاب دائم، هم به امت اسلامی، و هم به همه‌ی بشریت است. در زمان مبعوث شدن رسول خدا ﷺ تا زمانی که خداوند زمین و افراد موجود بر آن را برقرار ببرد. به علاوه امور زندگی ما به طور دائمی تغییر و تحول می‌یابد و اشکال جدیدی پیدا می‌کند. با این حال، محورهای اصلی آن نه تغییر می‌یابد و نه تحول پیدا می‌کند.

به علاوه، کلید مسائل اصلی ما در همین کتاب اعجاز‌آمیز است. از زمان نزول آن تا برپا شدن قیامت، ما نیز باید با چشمانی با بصیرت و دل‌هایی باز به صورت مداوم در این قرآن تدبیر کنیم تا بر این کلیدها دست بگذاریم و آنها را برای حل مسائل خود به کار ببندیم، که به صورت مداوم اشکال جدیدی می‌یابد، اما در بنیاد و جوهر خود تغییر و تحول پیدا نمی‌کنند.

یکی دیگر از اهداف من این بود که بیان کنم «پرورش» حوزه‌ی گسترده‌ای است که همه‌ی وجود انسان، و همه‌ی جوانب زندگی او را در بر می‌گیرد. و بر خلاف تصور برخی از مردم در برخی موعظه‌ها یا دعوت به رفتارهای معین آراسته به اخلاق ارجمند منحصر نمی‌شود. هر چند این کارها بنیاد مهمی را در کار پرورشی تشکیل می‌دهند. بلکه جنبه‌ی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فکری، و فرهنگی نیز، همه جز صمیم کار پرورش‌اند و از این رهگذر، جزء تلاش ما برای تربیت «انسان صالح»ی است که خداوند از خلال کتاب نازل شده‌ی خود از او می‌خواهد که بر اساس هدایت روش ربانی به آباء و اجداد و زمین بپردازد. و ما نیز در تدبیر خود در آیات قرآن باید در جست‌وجوی درس‌های پرورشی‌ای باشیم که قرآن در همه‌ی این حوزه‌ها در بر دارد تا تدبیر ما آگاهانه و سرب‌ش باشد، و نیز برای اینکه قرآن در زندگی ما کنشگر باشد. همان‌گونه که در حرکات قرآنی نخستینی این‌گونه بود که در عالم واقع این کلام خداوند تعالی را محقق کردند که:

﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُمِرَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ
عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ﴾

(آل‌عمران: ۱۱۰)

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمدید. شده‌اید به کار پسندیده

فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌درید و به خدا ایمان دارید.»

و معلوم است امتی که خداوند آن را این‌گونه که توصیف کرده است از لا به لای

این کتاب (قرآن) پدید آمده است.

اگر امت در این دوره‌های اخیر چشم خود را به روی کتاب خیر بسته است از ادای تکالیف خود کوتاهی کرد، و نتیجه‌ی بسیاری از خیر بودن خود را در دست داد و دشمنانش بر آن یورش آوردند و می‌خواهند آن را از ریشه برکنند، برای پاسخ به نیرنگ دشمنان، بازگشت به جایگاه‌الایی که خداوند امت را به‌خاطر آن پدید آورد، راهی جز بازگشت به تدبیر در کتاب با چشمانی آگاه و دل‌هایی باز، و اجرای آن در عالم واقع وجود ندارد. تا چنان باشند که خداوند به آنان فرموده است:

﴿ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ﴾

(بقره: ۱۴۳)

«و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.»

و نیز برای آنکه تمکینی که خداوند به آنان وعده داده است، دوباره به دست آورند:

﴿ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي
الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ
الَّذِي كَانُوا يُرِيدُونَ وَيَلْبَسُوا عَلَيْهِمُ الْأَمَنَاتُ يَاسِيَةً
يُسْرِكُونَ فِي الْبِلَادِ ﴾

(نور: ۵۵)

«خدا به کسانی که شما را ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که شما را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان ندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.»

این سخنرانی‌ها، صرفاً نمونه‌هایی هستند که به مسیر اشاره می‌کنند.

خداوند! ما را به تدبیر در کتاب خود و عمل به آنچه تو را از ما راضی می‌کند، موفق کن. توفیق نیز تنها از جانب خداوند است.

سید قطب